

ترجمه منیژه شیخ جوادی (بهزاد)

# آقا معلم

محمد نیرو

دبیر مدارس تهران و دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی

فرانک مک کورت در شصت و شش سالگی و با چاپ اولین کتابش که در فهرست کتاب‌های پر فروش در آمریکا قرار گرفت، درخشید. بدین سان وی شهره‌زسانه‌ها شد و با چهره‌های سرشناس ملاقات کرد. نامزد جایزه گرمی، بهترین معلم سال و حتی بهترین معلم قرن شد و مصاحبه‌های عدیده‌ای در موضوعات ادبی و تعلیم و تربیت با وی صورت گرفت. زندگی‌نامه‌اش در آمریکا و چگونگی ورودش به جرگه معلمی را در دومین کتابش به چاپ رساند. سرانجام برای بازی در فیلم ماجرای زندگی‌اش، در هالیوود ظاهر شد و در آنجا بود که احساس کرد بازیگران هالیوودی چگونه حسرت او را می‌خورند. و برعکس خودش هم حس کرد که زندگی بازیگران چه قدر پوچ و میان تهی است.

## معرفی کتاب

کتاب آقا معلم دارای سه بخش و هفده فصل است. این سه بخش به ترتیب عبارت‌اند از: «تا آموزش و پرورش راهی طولانی در پیش است»، «در هشت فصل: «خری روی کنگر فرنگی وحشی» در چهار فصل: «وقتی در کلاس ۲۰۵ زنده شدم»، حاوی پنج فصل. مک کورت در پیش‌گفتار کتاب، ضمن اشاره به تلخ‌کامی‌های دوران تحصیل خود، از معلمش به نام خانم اسمیت به عنوان الهام‌بخش خود یاد می‌کند. خانم معلمی که مفید بودن برای حتی

## معرفی نویسنده

فرانک مک کورت، نویسنده کتاب‌های «خاکسترهای آنجلا» و «خاکسترهایت را به خانه بر می‌گردانم» و برنده جایزه ادبی پولیتزر است. وی سومین کتاب خود را تحت عنوان «آقا معلم» در آغاز دهه هفتم زندگی خویش به رشته تحریر درآورد. مک کورت که اصالتاً ایرلندی است، در نوجوانی به دنبال پیدا کردن شغل، راهی آمریکا می‌شود و در آنجا معلم می‌شود. او که نویسندگی را در دوران بازنشستگی و پس از سی سال معلمی شروع کرده، در طول دوران معلمی خود، گاه در حرفه‌اش موفق بوده و گاه دچار مشکل شده است. غالباً در این اندیشه بوده که چرا معلم است و حیران از این که چگونه معلم شده و چه طور سی سال در این شغل ماندگار شده است. این دوران برای او با خاطرات تلخ و شیرین آمیخته است. گاه کسانی را که به ظاهر نمی‌توانستند با او رابطه برقرار کنند، چنان مجذوب خود می‌ساخت که خاطره‌اش برای همیشه در ذهن آن‌ها به یادگار می‌ماند. مسیر زندگی خیلی‌ها را تغییر داد و در انگیزه‌بخشی به عده‌ای نیز ناکام ماند. حتی چند بار از کار اخراج شد، زیرا روش تدریس و اداره کلاس و در کل معلمی او، مانند دیگر معلمان نبود. شیوه خودش را داشت و به ندرت تحت تأثیر عوامل بیرونی کلاس قرار می‌گرفت؛ برای همین کمتر به عنوان معلمی ثابت در یک مدرسه ماند.

■ فرانک مک کورت در شصت و شش سالگی و با چاپ اولین کتابش که در فهرست کتاب‌های پر فروش در آمریکا قرار گرفت، درخشید. بدین سان وی شهره‌زسانه‌ها شد و با چهره‌های سرشناس ملاقات کرد

یک دانش آموز را هم برای شادی و دریافت ثمرهٔ زحماتش کافی می‌دانست.

در فصل یک، نویسنده به ماجرای دوروز اول تدریسش می‌پردازد و در آن به وقایعی اشاره می‌کند که وی را در شرف اخراج از مدرسه قرار می‌دهد! مضاف بر آن که در بادی امر، با درک این که آموخته‌های دورهٔ دانشجویی او ناکارآمد است، از دانش‌های آموخته در دوران کودکی‌اش برای مهار و هدایت نابسامانی کلاس بهره می‌جوید.

در فصل دوم، داستان رنج و تعب دوران کودکی و سپس سال‌های مدرسهٔ مک کورت را در قالب قصه‌گویی وی برای دانش‌آموزان می‌خوانیم. او اشاره می‌کند که تمسخر و تحقیر معلم و هم‌کلاسی‌هایش، چگونه موجب تنفر و مرگ شهامت و خودباوری‌اش شده‌است. هم‌چنین، القائات معلمش که مدام او را دارای هویتی ناپسند می‌دانسته و مجبورش می‌کرده که به گناهان کرده و ناکرده‌اش نزد کنشیش اعتراف کند! کاری که ثمرهٔ آن قطع امید و دوری از کلیسا بود.

در فصل سوم، مک کورت به خطرات دانشجویی خود و ظرایف گفته‌های استادش در امر کلاس‌داری پرداخته‌است؛ استادی که خود سابقهٔ تدریس در دهه‌ها کلاس در مدرسه را داشته‌است. سپس روی دادهایی را در ارتباط با یکی از هم‌کلاسی‌هایش و جریان استخدام موقت و ناموفقش در یکی از دبیرستان‌ها و هم‌چنین تعاملات آزادانه میان وی و دانش‌آموزانش شرح می‌دهد.

جریان کارکردن در لنگرگاه کشتی و منازعاتش در آن‌جا، هم‌زمان با ناامیدی نسبت به توفیق در معلمی و بالاخره ترغیب به بازگشت دوباره به مدرسه، در پاسخ به سؤال یکی از دانش‌آموزان، در فصل چهارم می‌آید.

تنوع نیازهای دانش‌آموزان و تعدد مطالبات اولیای آن‌ها در جلسات حضوری، محور حکایات فصل پنجم است. در ادامهٔ این فصل ملاحظه می‌کنیم، نویسنده در شیوهٔ تدریس خویش براساس داستان‌گویی، گاه مورد نقد اولیا و دیگر دبیران و گاه مورد پرسش خویش قرار می‌گیرد. هم‌چنین، با ابداعی از استفاده از تشبیه، به تشویق شاگردان و تسهیل آموزش می‌پردازد و لذت یادگیری دستور زبان را به ایشان می‌چشاند.

در فصل شش، موضوع یک گواهی جعلی که دانش‌آموزان از طرف والدین خود برای معلم نوشته‌اند پیش می‌آید. معلم از این امر آگاه می‌شود، اما با تغافل، از این انشای نواورانه تقدیر می‌کند. این برخورد او فرصتی را موجب می‌شود که در پی آن دانش‌آموزان آثاری تحسین‌برانگیز خلق می‌کنند و مدیر نیز از آن‌ها تقدیر می‌کند.

در این‌جا، ترسیم رویش خلاقیت در غیاب اجبار نمایان است. دو خاطرهٔ تأمل‌برانگیز در فصل هفت، بیانگر بی‌انضباطی مفرط دو دانش‌آموز است. نویسنده در پی آن به چالش‌های خانوادگی ویژه، واکنش‌های مربوط و پیامدهای آن می‌پردازد. در این ماجرا او با تصمیمی عجولانه، یکی از دانش‌آموزان را از خود می‌راند و با تدبیری صبورانه، دیگری را به زندگی بازمی‌گرداند.

در فصل پایانی از بخش نخست، نویسنده به ازدواج خود و خوش‌حالی‌اش دربارهٔ موفقیت در تحصیلات عالی اشاره می‌کند. او کار معلمان و استادان را قیاس می‌کند و سختی تدریس مدرسه‌ای را به تصویر می‌کشد. هم‌چنین ملاقات خود با یکی از نویسندگان صاحب‌نام را بازگو می‌کند و این که با وجود تبختر و تحقیرهای وی، می‌تواند او را با زبان تملق تسلیم کند. حکایت تصحیح اوراق امتحانی و اعتصابات اتحادیه‌ای، آخرین فصل این بخش است.

در بخش دوم، فصل نهم، مک کورت یادآور می‌شود که پس از هشت سال تدریس در یافته‌است باید خویش را پیدا و روش خود را دنبال کند. او خاطرات یکساله‌اش به عنوان دستیار استاد در دانشگاه را نیز بازگو می‌کند. مخاطبان متفاوت، روش مواجهه و تدریس دیگری را اقتضا می‌کند که وی نیز به آن واقف است. جدا از تعاملات جالب توجه با برخی از دانش‌جویان و حواشی مربوط به آزادی قلم و آثار رسانه‌ای، در نهایت مک کورت با نارضایتی از عدم ایجاد ارتباط دل‌خواه، مجدداً در مدرسه‌ای دیگر به معلمی روی می‌آورد. مهارنکردن هیجانات و عصبیت قبل از کلاس و واکنش‌های ندامت‌آمیز ناشی از آن در کلاس، موضوع پایانی این فصل است. همهٔ این‌ها در ماجراهای منازعه با همسرش، تنبیه یک دانش‌آموز و اخراج وی از مدرسه، نمایان است.

نویسنده در فصل ده، خاطراتی از دروس‌های دو مدرسه را بازگو می‌کند. اولین مدرسه دارای شاگردانی از ملیت‌های گوناگون و از تمام‌قاره‌هاست که انگلیسی زبان‌دوم آن‌هاست. تسلط یا عدم تسلط بر زبان، در میزان اعتماد به نفس بچه‌ها و معلم خودنمایی می‌کند. در دبیرستان دوم که نویسنده، از آن به دشوارترین چالش دوران تدریس یاد می‌کند، با کلاسی مواجه می‌شویم که متشکل از بیست و نه دختر سیاه پوست است. حکایت بردن این دانش‌آموزان به سینما، هم‌چنین ماجرای حضور چندروز بعد آن‌ها در صحنهٔ نمایش تئاتر، به روشنی دشواری کنترل ایشان را نمودار می‌کند.

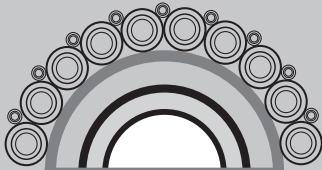
با سپری شدن دههٔ نخست تدریس که فصل پایانی از این بخش را شکل می‌دهد، آخرین برگ‌های فصل خزان خاطرات نویسنده نیز فرو می‌ریزد. او که میزان توجه دانش‌آموزان و نحوهٔ خروج آن‌ها از کلاس را از شاخص‌های موفقیت معلم می‌داند، به بیان حکایتی از بی‌نظمی و بی‌توجهی دو دانش‌آموز و واکنش غیر پرورشی و سرزنش‌آمیز خود نسبت به آن‌ها اشاره می‌کند. جدا از آن که یکی از این رفتارها ریشه در علاقهٔ شاگرد به جلب توجه داشته و دیگری ناشی از بی‌درایتی و سوءظن خود معلم بوده‌است. هر یک از وقایع پیرامون، آموزه‌های ارزنده را بر جای می‌گذارد. او که فکر می‌کرد در معلمی شکست خورده‌است، به منظور پیشرفت در کارش، تصمیم به ادامهٔ تحصیل در مقطع دکترا می‌گیرد و با ناکامی در این امر، دوباره در نقش معلمی سیار، از این مدرسه به آن مدرسه می‌رود. در این میان، مانند برخی از فصول گذشته، حکایات آسفباری از فساد و پیوندهای گسیخته بسیاری از خانواده‌ها جلوه‌گراست.

در آغاز بخش سوم، با حضور مک کورت در بهترین مدرسهٔ شهر، شاهد نقطهٔ عطفی در دوران معلمی وی هستیم. اعتماد مدیر به وی و درخشش او، سبب ماندگاری‌اش تا پایان سال‌های تدریس در آن‌جا می‌گردد. لذت حضور او در این مدرسه و در مواجهه با دانش‌آموزانی باهوش و علاقه‌مند، در فحوای خاطر‌اتش هویداست. با وجود این، به دلیل آن که اغلب ایشان از خانواده‌های متمول هستند، برخی از دغدغه‌ها و گفته‌های وی را که از طبقه‌های دیگر بود، به خوبی درک نمی‌کردند.

بخشی از برنامه‌ها، ابداعات و علاقه‌های نویسنده را در جریان آموزش نگارش خلاق، در فصل سیزده می‌خوانیم. این جاذبه‌های آموزشی، صدها شاگرد را نامزد حضور در کلاس اختیاری وی می‌کند. او که خود را شائق‌تر از شاگردانش به یادگیری نشان می‌دهد، با شناسایی دوره اساسی جلب توجه نوجوانان آمریکایی، به خرق روش‌های مرسوم در امر یادگیری می‌پردازد و بچه‌ها را در فضایی جذاب و طبیعی، به یادگیری رهنمون می‌گردد.

## بخشی از

برنامه‌ها، ابداعات و  
علاقه‌های نویسنده را  
در جریان آموزش  
نگارش خلاق،  
در فصل سیزده  
می‌خوانیم. این  
جاذبه‌های آموزشی،  
صدها شاگرد را  
نامزد حضور در  
کلاس اختیاری وی  
می‌کند. او خود را  
شائق‌تر از شاگردانش  
به یادگیری نشان  
می‌دهد



شهناز دخت میرسعیدی  
فراهانی (۱۳۲۱، اراک)  
معلم فعال. استان مرکزی  
خانم میرسعیدی متولد اراک،  
دارای مدرک کارشناسی  
زبان انگلیسی و در حال  
حاضر دبیر بازنشسته ولی  
فعال است. وی در سه استان  
خوزستان (مسجد سلیمان)،  
مرکزی (اراک) و تهران خدمت  
کرده و معلم نمونه بوده‌است.  
نیز بسیار علاقه نشان می‌داد،  
به طوری که گواهی بیش از  
۲۰۰۰ ساعت آموزش دوره‌های  
گوناگون را در پروندهٔ خود  
دارد. دانش میرسعیدی تأکید  
دارد که دانش‌آموزان کلاس باید  
برحسب علاقه‌شان طبقه‌بندی  
و متناسب با آن نیز آزموده  
شوند. او این تأکید را برحسب  
تجربه‌ای که از مدارس  
بین‌المللی ماوراء بحار در زمان  
خدمت در مسجد سلیمان کسب  
کرده‌است، یادآور می‌شود. در  
این روش که از سن ۱۲ سالگی  
(دورهٔ راهنمایی) آغاز می‌شود،  
دانش‌آموزان کلاس به چند  
گروه (مثلاً زبان، تاریخ، جغرافیا  
و...) تقسیم می‌شوند و روی آن  
موضوع - که مورد علاقه‌شان  
است - با نشستن به دور  
میزهای جداگانه، کار می‌کنند.  
خانم میرسعیدی پس از  
بازنشستگی، با همکاری  
فرزندان خود، مؤسسه‌ای  
انتشاراتی را اداره می‌کند. این  
مؤسسه به نشر کتاب‌های  
عمومی آموزشی می‌پردازد.

■ کتاب آقا معلم، اگر چه ممکن است یک رمان تلقی گردد، ولی برای آنان که به حرفه معلمی علاقه مند هستند و یاد رستند، معلمی قرار دارند، می توانند یک کتاب راهنما باشد. برجسته ترین ویژگی این اثر، تدوین آن مبتنی بر تجربه است

نمونه هایی از تدریس مشارکتی و روش های فعال آموزش، استفاده های جذاب از داستان و شعر در کلاس و آمیختن موضوعات واقعی و مبتلابه شاگردان با موضوعات تدریس، در فصل چهارده ذکر می شود.

در فصل پانزده به اولیای دانش آموزانی بر می خوریم که با وجود اطمینان به مدرسه، برای پی گیری وضعیت آموزشی فرزندشان و انتظارات دیگری که دارند، تا پاسی از شب در انتظار ملاقات با معلم می مانند. هم چنین در کلاس با شرایطی مواجه می شویم که دانش آموز، به راحتی و آذانه می تواند در مورد پدر و آینده شغلی اش صحبت کند و کلاس را تحت الشعاع خود قرار دهد.

محتوایی که بچه ها در نگارش خود می آفرینند و هم چنین تبدیل شدن وقایع پیرامونشان به موضوعات نگارشی، فصل شانزده را شکل می دهد. در ضمن، توجه و پی گیری برخی اولیا را نسبت به رخدادهای داخل کلاس در جریان رویدادی، درمی یابیم. این فصل با ترسیم اهداف آموزشی معلم و معیارهای ارزش یابی وی پایان می پذیرد.

فصل آخر نیز که از چند صفحه تجاوز نمی کند، به روزهای آخر و پایان تدریس مک کورت اختصاص یافته است که فضای احساسی خاصی را در آخرین جلسه کلاسش بر می انگیزد.

### ویژگی های اثر

کتاب آقا معلم، اگر چه ممکن است یک رمان تلقی گردد، ولی برای آنان که به حرفه معلمی علاقه مند هستند و یاد رستند معلمی قرار دارند، می تواند یک کتاب راهنما باشد. برجسته ترین ویژگی این اثر، تدوین آن مبتنی بر تجربه است. جدا از شیوایی کلام و زیبایی نوشتار، آنچه موجب اثر بخشی آن می گردد، عینیت وقایع، در جریان سه دهه تدریس است و این با نوشتار یک نظریه پرداز صرف بسیار متفاوت است. دوران خامی، پختگی، سوختن و فروغ افروختن را با نگارشی جذاب و داستان گونه بیان می کند و روایت صادقانه وی از تلخی ها و توفیق ها، جذبه و بهره فربهی به همراه دارد. ابداع و خلاقیت برای ایجاد فرصت های آموزشی، در وقایع

■ ضرورت دارد که تجارب گران سنگ معلمان، به رشته تحریر در آید تا به بازاندیشی مجدد عملکرد آنان و پشتوانه های معلمان نسل آینده بینجامد

بداهه، از آن جمله است.

در این کتاب، چهار موضوع مهم در امر معلمی متجلی است. اول از همه دشواری حرفه معلمی و چند وجهی بودن نقش معلم، که نویسنده در فصل اول بدان اشاره کرده و در فصول آتی نیز نمونه هایی از آن را مشاهده می کنیم. دوم، تأثیر فرهنگ در آموزش، هم چنین فضای ارتباطی و فرایند یاددهی - یادگیری متأثر از آن، که رفتارها و رویکردهای گوناگون کارکنان و شاگردان مدارس گوناگون، از آن جمله است. سوم، «دانش ضمنی» که در پیچ و خم تعاملات دانش آموزان و معلم به دست آمده است و نویسنده با نگارش کتاب حاضر، بخشی از آن را به «دانش صریح» بدل ساخته است. چهارم، برنامه درسی پنهان و تأثیر فعالیت های غیر رسمی معلم بر شاگردان، که اغلب با تمرین بیشتر، یادگاری ماندگاری را برای ایشان به ارمان آورده است. لازم به ذکر است، ترجمه یک دست و روان خانم منیره شیخ جواد، که دو کتاب دیگر فرانک مک کورت را هم به فارسی برگردانده، شیوایی کتاب را تا حد زیادی نمایان ساخته است.

در کنار این محاسن، می توان به برخی کاستی های کتاب نیز اشاره کرد که بهره های عملی آن را محدود می کند. اصلی ترین موضوع در این خصوص، عدم تطابق فضای فرهنگی و ارزشی حاکم، با جامعه ایران است. برای مثال، کلاس های مختلط، شرایطی را پدید می آورد که مدارس ما آن را بر نمی تابد. هم چنین مدارس ایران، با وجود دارا بودن تنوع فرهنگی، عاری از عوارض چندفرهنگی، مانند حضور ملیت های گوناگون در یک کلاس درس است و هم چنین اتحادیه های معلمی و نقش آفرینی جدی آن در امور معلمان، در آموزش و پرورش ما مورد توجه نیست. سرانجام کتاب حاضر فاقد فهرست است و برخی از واژگان نامأنوس آن نیاز به پاورقی دارند.

### سخن پایانی

کلمات «دبیر» و «نویسنده» مرادف یکدیگرند و وجه تسمیه دبیرستان نیز ناظر به نهادی است که دبیری و نویسندگی را به جوانان می آموزد. سال هاست که با حذف زنگ انشا در دبیرستان، و بی مهری شایان به این مهم، شاهد ناتوانی اغلب شاگردان، دانشجویان و معلمان فردا، در نگارش مطالب مورد نیازشان هستیم. با وجود این، بسیاری از شاهکارهای ادبی از جمله مدیر مدرسه جلال آل احمد و آقا معلم مک کورت، حاصل گردآوری تجارب دوران معلمی است. هر چند کار تعلیم و تألیف از یکدیگر جداست، ولی از آنجا که معلمی با خواندن و نوشتن و اندیشیدن سر و کار دارد، لذا هم می توان بین این دو الفتی ایجاد نمود، و هم خوش بختانه با وجود ویلاگ ها و وبسایت ها، این امر به سادگی و بدون دشواری های خاصی می تواند صورت پذیرد. ضروری است معلمان ما بیشتر به تجربه تألیف روی آورند و با تسری و توسعه تجارب بومی موجود در آموزش و پرورش، بستر غنابخشی بیشتر آموزش فرزندانشان را مهیا کنند. در پایان، امیدواریم شاهد خلق آثار چینی از معلمان خود باشیم. کتاب آقا معلم را انتشارات پیکان چاپ و منتشر کرده است (۱۳۷۸).

### پی نوشت

1. McCourt, Frank
2. Explicit Knowledge
3. Tacit Knowledge
4. Hidden Curriculum
5. Grammy Award

جایزه های مخصوص سخنرانی

